

مقایسه استعمار پرتغال در خلیج فارس با استعمار اسپانیا در آمریکای

جنوبی

فاطمه اروجی^۱ و الیزابت تربن^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

چکیده

با سقوط قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳م. و آغاز عصر اکتشافات، پرتغالیان اولین اروپاییانی بودند که قدم در مسیر اکتشافات جغرافیایی نهادند و توانستند به ممالک آسیایی راه پیدا کنند. آنان با بهره‌گیری از اقدامات هانری دریانورد، شاهزاده پرتغالی که آغازگر این راه بود و با کشف مسیری تازه که از دماغه‌ی امید نیک در جنوبی‌ترین منطقه آفریقای جنوبی عبور می‌نمود، توانستند به هندوستان و خلیج فارس دسترسی پیدا کنند. حضور پرتغالیان در مناطق مزبور، پیامدهایی چون استعمار و استثمار را به ارمغان آورد. پس از پرتغالیان، اسپانیایی‌ها به مشرق زمین و نیم‌کره غربی راه پیدا کردند. آنان توسط کریستف کلمب موفق به کشف قاره آمریکا گردیدند. باید گفت که اسپانیایی‌ها نقش بسزائی را در مستعمره نمودن آمریکای جنوبی ایفا نمودند. هدف مورد نظر از این پژوهش شناخت چگونگی ریشه دوانیدن استعمار در سرزمین‌های شرقی از جمله خلیج فارس و همچنین آمریکای جنوبی می‌باشد چراکه هنوز هم دست پیدا و پنهان استعمار به شیوه‌های گوناگون در این مناطق قابل مشاهده است. مقاله حاضر در نظر دارد تا با توجه به ماهیت موضوع، به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری بهینه از منابع دست اول و تحقیقاتی که عمدتاً کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشند، به مقایسه استعمار پرتغال در خلیج فارس و استعمار اسپانیا در آمریکای جنوبی بپردازد و آن را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد.

کلید واژه‌ها: پرتغال، خلیج فارس، اسپانیا، آمریکای جنوبی، استعمار.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

اروجی، فاطمه؛ تربن، الیزابت (بهار ۱۴۰۴). «مقایسه استعمار پرتغال در خلیج فارس با استعمار اسپانیا در آمریکای جنوبی». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال هشتم، شماره ۱. پیاپی ۲۹، صص ۹۳-۱۱۶.

^۱. استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. ایمیل: forouji@tabrizu.ac.ir

^۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ عمومی جهان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. ایمیل: elizabetharbon@yahoo.com
 کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با بازیگری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

می‌توان گفت که تأثیر ناشی از سقوط قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳م. بر اکتشافات جغرافیایی اروپاییان و واداشتن آنان به انجام سفرهای دریایی و اکتشافی، ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر جهان آن روز را متحول و به‌طور کامل دگرگون نمود. کشور کوچک پرتغال، در این عرصه پیشرو و پیشتاز بود. بر اثر اقدامات و تلاش‌های هانری دریانورد، شاهزاده پرتغالی، مسیر سفرهای اکتشافی به روی دریانوردان و کاشفان پس از او و همچنین سایر دول اروپایی گشوده گردید. تلاش وافر پرتغالیان در سالیان متمادی جهت یافتن مسیری تازه برای رسیدن به ممالک شرقی و تجارت ادویه بدون واسطه‌گری مسلمانان و ونیزی‌ها، موجب گردید تا با تحمل دشواری‌ها، به هندوستان و خلیج فارس راه پیدا کنند. پرتغالیان مصرانه در حالی که طمع به ثروت و سود فراوان داشتند برای رسیدن به اهداف اقتصادی‌شان از هیچ کار زشتی فروگذار نبودند و با برخورداری از توان بالای نیروی نظامی خویش، اموال ساکنان محلی را غارت می‌کردند و بر دادو سندهای تجاری آنان مستولی می‌گشتند و به استعمار و استثمار مردمان آن سرزمین‌ها می‌پرداختند. پس از پرتغالیان، اسپانیایی‌ها به این عرصه که به میدان رقابت بی شباهت نبود، وارد شدند. ورود کریستف کلمب از جانب دولت اسپانیا و فاتحان اسپانیایی پس از او به قاره آمریکا، نقطه عطفی در تاریخ این سرزمین به شمار می‌رود. حرص و طمع آنان با مشاهده شرایط مساعد جغرافیایی، منابع طبیعی و معادن ارزشمند طلا و نقره که در آمریکای جنوبی قرار داشت، دو صد چندان شد و درصدد برآمدند تا به یاری سلاح‌های آتشین و برتر خود بر بومیان این منطقه غلبه نمایند و به بهره‌برداری از منابع و معادن و استثمار ساکنان آن بپردازند. ناگفته نماند که اسپانیا در منطقه خلیج فارس نیز تا مدت‌ها به سلطه‌جویی پرداخت اما هرگز نتوانست یک نظام مستعمراتی به مانند آنچه در آمریکای جنوبی تأسیس نموده بود، در ایران و منطقه خلیج فارس ایجاد نماید. پژوهش حاضر در برگیرنده‌ی پاسخ‌هایی قابل اطمینان برای پرسش‌های متعددی نظیر این که چگونه پرتغال در خلیج فارس به توسعه طلبی پرداخت؟ اسپانیایی‌ها چگونه توانستند در آمریکای جنوبی، امپراتوری قدرتمندی را تأسیس نمایند؟ استعمار در سرزمین‌های مزبور چگونه شکل گرفت؟ هدفی که این پژوهش دنبال می‌کند این است که با مقایسه‌ی استعمار پرتغال در منطقه خلیج فارس و استعمار اسپانیا در آمریکای جنوبی، ریشه‌های استعمار و استثمار را که در عصر اکتشافات ریشه دوانیدند و روز به روز مستحکم‌تر گردیدند را بهتر شناسایی و مورد ارزیابی قرار دهد و شگردهای رنگارنگ پیدا و پنهان استثمارگری در جهان امروز را هوشیارانه‌تر تشخیص دهد و تا حد امکان از گسترش آنها جلوگیری نماید.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش‌های فراوانی در مورد حضور پرتغالیان در خلیج فارس و اقدامات آنان انجام گرفته است که شامل روابط آنان با شاه عباس صفوی و چگونگی ورودشان به خلیج فارس می‌باشد. همچنین تألیفات فراوانی در مورد تاریخ آمریکای لاتین به خصوص از سوی نویسندگان غربی به رشته‌ی تحریر درآمده است که این تحقیقات در برگیرنده‌ی مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و همچنین استعمار و پیدایش آن در آمریکای جنوبی در گذشته و در دوران معاصر می‌باشند. اما پژوهش حاضر در نظر دارد تا با استفاده از منابع اولیه و تحقیقاتی کتابخانه‌ای، استعمار پرتغال در خلیج فارس را با استعمار اسپانیا در آمریکای جنوبی مقایسه نماید و آن را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

«شریان‌های باز آمریکای لاتین» اثر ادواردو گالانو و ترجمه‌ی محمد تمیمی عرب (۱۳۷۱) می‌باشد. این نویسنده اوروگوئه‌ای در اثر تألیفی خود به مطالعه در مورد مسائل اقتصادی و سیاسی در آمریکای لاتین پرداخته و تاریخ گذشته این سرزمین را از زمان گشورگشایان اسپانیولی تا دوران معاصر، مورد تشریح و تبیین قرار داده است.

«تاریخ آمریکای لاتین» تألیف ا. کرتیس ویلگوس و رائل دسا و ترجمه‌ی جلال رضایی راد (۱۳۵۲) می‌باشد. در این اثر ارزنده، رخداد‌های آمریکای لاتین از دوران اولین اکتشافات تا سال ۱۹۶۲ م. مورد تشریح و تبیین قرار گرفته‌اند.

«زندگانی شاه عباس اول» تألیف نصر... فلسفی می‌باشد که در ۵ جلد نگاشته شده است. نگارنده در جلد چهارم این کتاب به شرح مفصل روابط شاه عباس اول صفوی با دولت‌های پرتغال و اسپانیا پرداخته است. همچنین حضور پرتغالیان در خلیج فارس و رخداد‌های تاریخی مربوط به آن دوران را مورد تشریح و تبیین قرار داده است.

«خارجیان در خلیج فارس» اثر بیژن اسدی است که مؤلف در فصل اول تألیف خویش، در مورد چگونگی نفوذ پرتغالیان در خلیج فارس، مبارزه شاه عباس صفوی با آنان و همچنین اخراج آنها از خلیج فارس، شرح نسبتاً مفصلی را ارائه نموده است.

۳. استعمار پرتغال در منطقه خلیج فارس

فتح قسطنطنیه توسط سلطان محمد فاتح در سال ۱۴۵۳ م.، مانع بزرگی بر سر راه تجارت اروپاییان با مشرق زمین ایجاد نمود. در واقع، سلطان ترک پس از این موفقیت، حکومت‌های قدرتمند را از بین برد و بی‌باکانه به یک سلسله اصلاحات اقتصادی، نظامی و حقوقی اقدام نمود (امامی خویی، ۱۳۹۶: ۶۶). تسلط ترکان عثمانی بر راه‌های ابریشم و ادویه که از با اهمیت‌ترین مسیرهای تجاری آن دوران به‌شمار می‌رفتند، اروپاییان را مصمم نمود تا برای دستیابی مستقیم به امتعه‌ی

شرقی مورد نیاز، به جنبش درآیند و مسیرهای تازه‌ای را پیدا کنند. اروپاییان با بهره‌گیری از دانش جغرافیایی و اختراعات جغرافی‌دانان مسلمان، به خصوص قطب‌نما، توانستند با سفرهای دریایی و شکافتن پهنه‌ی اقیانوس‌ها به ممالک آسیایی دسترسی پیدا کنند. باید گفت که قطب‌نما، یکی از مهم‌ترین اختراعاتی بود که به کاشفان اروپایی در سفرهای اکتشافی کمک نمود و در پیشرفت آنان نقش بسزائی را ایفا نمود. فردی از اهل ناپل به‌نام فلاویو ژیوژا^۱ قطب‌نما را اصلاح نمود و به استفاده از آن در سفرهای دریایی عمومیت بخشید. دریانوردان با برخورداری از ساعت و قطب‌نما دیگر دچار سرگردانی و گمراهی نمی‌شدند و به‌همین دلیل به انجام مسافرت‌های بزرگ دریایی مبادرت می‌ورزیدند. ناگفته نماند که افتخار این کار، مخصوصاً از آن هانری، شاهزاده‌ی پرتغالی بود که برای اصلاح فن دریانوردی تلاش و فعالیت‌های بسیاری نمود (روسو، ۱۳۴۹: ۱۶۷). بر اثر اقدامات و تلاش‌های او که آغازگر این راه بود، مسیر سفرهای اکتشافی به روی دریانوردان و کاشفان پس از او و سایر دول اروپایی گشوده گردید.

یادآوری این نکته لازم می‌نماید که خلیج فارس اصلی‌ترین کانال آبی تجاری و استراتژیکی جهان می‌باشد که در جنوب ایران قرار گرفته است و از آنجا که بیشترین ساحل در قسمت شمالی آن متعلق به ایران می‌باشد، به‌عنوان مهم‌ترین کشور در منطقه خلیج فارس از دیرباز مورد توجه اروپاییان بوده است. همین توجه موجب شد که ایران از رخدادهایی که در میان کشورهای اروپایی و به دنبال آن در خلیج فارس می‌گذشت، تحت تأثیر قرار بگیرد. بعد از اکتشافات جغرافیایی، اولین کشور استعمارگر که توانست در حوزه خلیج فارس حضور داشته باشد، پرتغال بود (بیگی‌زاده و بصیرت‌منش، ۱۳۹۵: ۶۱). پرتغالیان که برای نفوذ کشورشان در خلیج فارس، دریای عمان و هم‌چنین شرق آفریقا به این منطقه از آسیا وارد شده بودند، در سال ۱۵۰۷م. بین سیف‌الدین حاکم هرمز و آلبوکرک نماینده دولت پرتغال، پیمان نامه‌ای مبنی بر پذیرش تبعیت حاکم هرمز و پرداخت باج به پادشاه پرتغال، به امضا رسید.

شاید بتوان گفت که امضای این پیمان نامه، پایه‌ای اساسی برای تسلط دریایی و تجاری پرتغالیان در قسمت غربی اقیانوس هند و منطقه خلیج فارس گردید و بر مناسبات تجاری و اقتصادی آسیای جنوبی با خاورمیانه ضربه شدیدی وارد نمود و بر سطح زندگی تمامی ساکنان منطقه خلیج فارس تأثیر منفی بر جای گذاشت. قابل ذکر است که این توافق نامه نه تنها تبعات منفی مزبور را در برداشت بلکه برای ایران نیز خسارات و زیان‌هایی را به بار آورد (دلد، ۱۳۶۳: ۶۳-۵۹). شاید بتوان گفت که تصرف هرمز در واقع، استعمار پرتغال را به لحاظ سلطه بر مناطق استراتژیک خلیج فارس، کامل می‌کرد (اسدی، ۱۳۹۳: ۶۲). ناگفته نماند که استیلای پرتغالیان بر منطقه خلیج فارس و تصرف هرمز در زمان سلطنت شاه اسماعیل صفوی روی داد (ویلسون، ۱۳۱۰: ۸۳-۸۲). و تا زمان سلطنت

^۱. Flavio Gioja

شاه عباس صفوی یعنی بیش از یکصد سال به علاوه تمامی جزایر خلیج فارس در تصرف پرتغالیان قرار داشت (نشأت، ۱۳۴۴: ۱۰۲).

پرتغالیان با بی‌رحمی و سنگدلی هرگونه ایستادگی مردم را سرکوب می‌نمودند و از رشد و شکوفایی بازرگانی ممانعت به عمل می‌آوردند و از مناسبات اقتصادی و فرهنگی میان سرزمین‌های آسیای جنوبی و خاورمیانه جلوگیری می‌کردند. آنان کاتولیک مذهب و متعصب بودند و با سرزمین‌های مسلمان مشرق زمین دشمنی سرسختی داشتند و برای جلوگیری از تکامل اقتصادی و فرهنگی آنها از هیچ عملی فروگذار نبودند. پرتغالیان مدرسه‌ها و مسجدها را ویران می‌نمودند. دانشمندان و نویسندگان را آزار و اذیت می‌کردند. هم‌چنین تلاش می‌نمودند تا میان شیعیان ایران و مسلمانان سنی مذهب عثمانی، اختلاف و تفرقه ایجاد نمایند (دلد، ۱۳۶۳: ۷۰).

از بدو ورود آلبوکرک به خلیج فارس تا دوران سلطنت شاه عباس اول، پرتغالیان با دستیابی به تفوق‌های نظامی، اندک اندک بر عرصه تجارت دریایی در خلیج فارس مستولی شدند. در پی برخوردها و جنگ‌های گوناگون، مراکز بازرگانی محلی این منطقه را نابود کردند. نحوه فعالیت‌های تجاری آنان به‌صورت استعماری، ساختار تجارت سنتی حوزه خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داد و ارتباطات اقتصادی بومی حاکم بر آن را متحول نمود (طرفداری و عمویی، ۱۳۸۸: ۳۵۳-۳۵۲). می‌توان به این مورد اشاره نمود که اقتصاد دریایی ایران تا سرزمین‌های دور دست اقیانوس هند توسعه یافته بود و اقتصاد زمینی آن نیز در حقیقت مربوط به فلات ایران می‌شد. بنابراین پرتغالیان گذشته از آنکه توازن و اعتدال پیشین بین اقتصاد دریایی و زمینی ایران را دچار اختلال نمودند، در شرایطی قرار گرفتند که مناسبات اقتصاد دریایی ایران با حکومت‌های محلی و هم‌جوار خلیج فارس نیز نابود گردید و دولت صفوی مجبور شد مستقیماً در امور تجاری جنوب ایران دخالت کند (خیراندیش، ۱۳۸۱: ۹۱).

قدرت پرتغالیان تا به اندازه‌ای بود که برای ساکنان بومی مناطق تسخیر شده، قانون وضع می‌نمود و آنان را وادار می‌کرد بر اساس دستورات دولت پرتغال رفتار نمایند. این دولت هم‌چنان به توسعه طلبی‌های خود ادامه می‌داد تا اینکه در سال ۱۵۸۰ م. با دولت اسپانیا متحد شد (تاج بخش، ۱۳۴۰: ۸۵). در سال مزبور، هنگام وفات هانری، پادشاه و کاردینال پرتغال، فیلیپ دوم، پادشاه اسپانیا این کشور را ضمیمه‌ی خاک خودش گردانید (برینتون، کریستوفر و وولف، ۱۳۳۸: ۴۷۶). و به آسانی وارث نیروی دریایی و مستعمرات پرتغال در آفریقا، آسیا و آمریکای جنوبی شد. هم‌چنین بخش اعظم درآمدهای مستعمرات و تجارت پرتغال را به‌خود اختصاص داد (دورانت، ۱۳۴۸: ۳۱۴-۳۱۱).

در واقع تا زمان سلطنت شاه‌عباس صفوی، پرتغال از یک طرف و اسپانیا از طرفی دیگر در خلیج فارس قد علم کردند و چون پرتغال از اسپانیا تبعیت می‌نمود از طرف پادشاه اسپانیا سفیری به نام «دن

گارسیا دوسیلوا فیگوره آ^۱ به دربار شاه عباس رهسپار شد. او که از تدبیر و هوش و ذکاوت برخوردار بود، برای نگه داشتن جزیره هرمز تحت تصرف پرتغالیان کوشش می‌نمود. اما تلاش‌های او به نتیجه‌ای نرسید. زیرا پادشاه ایران روز به روز برای بیرون راندن پرتغالیان مصمم‌تر می‌شد (اقتداری، ۱۳۴۵: ۱۲۴).

گفتنی است که حدود ۴۲ سال یعنی از سال ۱۵۸۰ م. تا سال ۱۶۲۲ م. که پرتغالیان از خلیج فارس بیرون رانده شدند را می‌توان سال‌های سلطه اسپانیا بر منطقه خلیج فارس به‌شمار آورد. البته اسپانیا تا قبل از به سلطنت رسیدن شاه عباس اول صفوی با ایران روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز داشته است. به‌عنوان نمونه به نقل از گووه^۲ در زمان سلطان محمد خدابنده (پدر شاه عباس اول)، دن فرانسوا ماسکارنیاس^۳، نایب السلطنه‌ی هندوستان مأموریت یافت که نماینده‌ای از طرف اسپانیا و جهان مسیحیت رهسپار نماید تا شاه ایران را بر ضد دولت عثمانی تحریک کند و هم‌چنین برای مسیحیان ایران تقاضای آزادی در اجرای مراسم دینی کرده و برای بازرگانان عیسوی امتیازاتی را به‌دست آورد (تاج‌بخش، ۱۳۴۰: ۹۴).

اما تا زمانی که شاه عباس اول با امپراتوری عثمانی در جنگ و ستیز بود، به امید آنکه شاید بتواند اسپانیا را بر ضد ترکان عثمانی با خود همراه نماید و از نیروی دریایی قدرتمند آنان بهره‌مند شود، با پادشاه اسپانیا و کارگزاران پرتغالی او در هرمز و خلیج فارس مدارا می‌نمود و در فروش ابریشم و سایر محصولات ایران با ایشان موافقت می‌کرد. اما به دلیل آن‌که پرتغالیان تجارت از راه خلیج فارس را در انحصار خود درآورده بودند و از آن مسیر به سایرین اجازه‌ی حمل و نقل کالا به هندوستان و اروپا را نمی‌دادند و با بازرگانان و رعایای ایران نیز در بندرهای خلیج فارس بدرفتاری می‌کردند و نسبت به آنان ظلم و ستم روا می‌داشتند، شاه عباس نیز در دل کینه آنان را داشت و همواره در صدد بود که دست آنها را از کرانه‌های جنوبی ایران کوتاه سازد و راه تجارت خلیج فارس را بر تاجران ایرانی و سایر ملت‌ها باز نماید (فلسفی، ۱۳۶۴: ج ۴/ ۱۵۲۵).

باید گفت که اسپانیایی‌ها علیرغم سلطه‌گری خود در منطقه خلیج فارس هرگز نتوانستند به مانند آمریکای جنوبی در این ناحیه از جهان، امپراتوری قدرتمندی ایجاد نمایند و فرهنگ، تمدن و نظام مستعمراتی خویش را بر ایرانیان و ساکنان منطقه خلیج فارس تحمیل نمایند. چراکه ایران از تمدن غنی ایرانی و اسلامی برخوردار بود. مخصوصاً در دوران شاه عباس اول صفوی که ایران در قدرتمندترین زمان خویش پس از ورود اسلام به ایران به سر می‌برد. با اینکه حدود یک قرن و نیم تسلط پرتغال بر نواحی مزبور، ادامه یافت اما به تدریج قدرت آنان رو به سستی گرایید و سرانجام

¹. Don Garcia Dosilva Figurea

². Gouvea

³. Don Francois Mascarneas

شاه عباس صفوی با اقتدار خویش و با همت سرداران ایرانی توانست سلطه و سیادت آنها را در خلیج فارس درهم بشکند به طوری که پس از مدتی به طور کامل از خلیج فارس بیرون رانده شدند.

۴. جغرافیای آمریکای جنوبی

آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی که آمریکای لاتین نیز نامیده می‌شوند (گالنانو، ۱۳۷۱: ۹)، از ۲۰ کشور مختلف تشکیل شده است که عبارتند از: جزایر کارائیب که شامل کوبا و هیسپانیولا می‌باشد، مکزیک و شش کشور گواتمالا، هندوراس، السالوادور، نیکاراگوئه، کاستاریکا و پاناما که در آمریکای مرکزی قرار گرفته‌اند. ده کشور ونزوئلا، کلمبیا، اکوادور، پرو، بولیوی، شیلی، پاراگوئه، اروگوئه، آرژانتین و برزیل که در آمریکای جنوبی واقع شده‌اند (ویلگوس و دسا، ۱۳۵۲: ۳). مساحت این محدوده‌ی جغرافیایی، سه برابر وسعت ایالات متحده آمریکا به شمار می‌رود و یکی از بزرگ‌ترین مناطق فرهنگی و جغرافیایی جهان می‌باشد (بیلز، ۱۳۵۷: ۳۲).

آمریکای جنوبی، چهارمین قاره کره زمین است. از سمت شمال به دریای کارائیب و از سمت جنوب، تنگه ماژلان آن را از جزایر «تیرادل فوئگو»^۱ و سایر جزایر دیگر جدا می‌سازد. گیاهان این قاره بسیار گوناگون هستند و متراکم‌ترین جنگل‌های جهان در دره‌ی آمازون واقع شده است. در این منطقه معادن زیادی وجود دارد و تا قبل از ورود اروپاییان به این ناحیه، استخراج طلا و نقره رایج بود. آمریکای جنوبی اصلی‌ترین منبع محصول قهوه در سراسر جهان به شمار می‌رود. سیب زمینی از محصولات بومی این قاره می‌باشد و مناطقی که معتدل به شمار می‌روند، از نظر محصول گندم و پرورش دام یکی از مهم‌ترین مناطق جهان می‌باشد (کندری، ۱۳۷۱: ۲۱).

درجه حرارت در آمریکای جنوبی بسیار متغیر و دگرگون است و به همین دلیل هر نوع محصول کشاورزی را می‌توان در آن پرورش داد. منابع و تولیدات معدنی آن نیز بسیار متنوع می‌باشد (ویلگوس و دسا، ۱۳۵۲: ۸). هنگامی که اروپاییان در سال ۱۴۹۲ میلادی، قدم به این قاره نهادند به این مسئله پی‌بردند که روش‌های کشاورزی در این ناحیه به خوبی پیشرفت کرده و فواید آن، غذای جمعیت بسیار بزرگی را تأمین می‌نماید (آدلر، ۱۳۸۷: ج ۱/۲۶۹).

شاید، بتوان گفت، موقعیت جغرافیایی در بروز رویدادهای تاریخی بسیار مؤثر بوده و در واقع، گستره تاریخ و تحولات آن به شمار می‌آید. تمدن‌هایی در طول تاریخ به دلیل برخورداری از موقعیت جغرافیایی مساعد، توانستند مسیر پیشرفت را به سرعت بپیمایند و در نقطه مقابل آن، تمدن‌هایی به لحاظ جغرافیایی و شرایط نامساعد جوی از شکوفایی در زمینه‌های گوناگون بازماندند. سرزمین‌های متعددی به دلیل داشتن ثروت و منابع سرشار طبیعی، همواره مورد هجوم اقوام گوناگون قرار گرفته

^۱. Tierra del Fuego

و در معرض استعمار و استثمار بوده‌اند. به نظر می‌رسد که موقعیت جغرافیایی در پیدایش و یا انحطاط تمدن‌های مختلف بشری در طول تاریخ بسیار حائز اهمیت بوده و تا به امروز نیز تا حدودی مؤثر واقع می‌شود.

۵. ساکنان بومی آمریکای جنوبی

بنابر اطلاعات گردآوری شده، احتمالاً سابقه ورود مردمان به قاره آمریکا، از ۲۰ هزار سال گذشته تجاوز نمی‌کند. آنها با عبور از خشکی‌ای در منطقه شمالی اقیانوس آرام که در آن زمان هنوز از هم جدا نگردیده بود، وارد آمریکا شدند و سپس به تدریج به سمت پایین حرکت نموده و در جلگه‌های کناره‌ی اقیانوس آرام سکنی گزیدند. آنان با عبور از آمریکای شمالی و مرکزی به داخل کوه‌های آند وارد شدند (آدلر، ۱۳۸۷: ج ۱/۲۶۹). در واقع، قدم گذاشتن انسان‌ها به آمریکای جنوبی دیرتر از آمریکای شمالی بوده است (کندری، ۲: ۱۳۷۱).

اکنون اعتقاد بر این است که برخی از سرخپوستان از نژاد آسیایی می‌باشند که از مسیر تنگه برینگ^۱ و جزایر آلئوسین^۲ به این نیم کره وارد شده‌اند. چندین تئوری در مورد خاستگاه بومیان ارائه شده است که برخی از آنها عبارتند از: تئوری مصری، تئوری آفریقایی و سایر تئوری‌های علمی که در این زمینه مطرح شده است (ویلگوس و دسا، ۱۳۵۲: ۱۰).

اما هنگامی که اروپاییان به این قاره وارد شدند، با بومیانی روبرو گردیدند که در مراحل مختلفی از تمدن زندگی می‌کردند. تمدن مایا در مکزیک و آمریکای مرکزی در زمان خود یکی از پیشرفته‌ترین تمدن‌ها بودند. آرتک‌های مکزیک و اینکا در پرو تمدن‌هایی مشابه تمدن مایا داشتند. اما تمدن چیپچا^۳ در بخش شمالی آمریکای جنوبی و سرخ پوستان پوئبلو^۴ که در جنوب غربی ایالات متحده می‌زیستند، دارای تمدنی نه چندان پیشرفته بودند (ویلگوس و دسا، ۱۳۵۲: ۱۰۹).

باید گفت که جوامع انسانی در طول تاریخ حتی در بدوی‌ترین حالت، توانسته‌اند با بهره‌گیری از شرایط مساعد جغرافیایی، طبیعت و منابع سرشار آن، تمدن‌هایی را به وجود آورند که برخی از آنان در نوع خود کم‌نظیر بوده‌اند. بشر ذاتاً قابلیت سازگاری با شرایط گوناگون را دارد و با استفاده از استعداد ذاتی، عقل و تدبیر خویش حتی در ابتدایی‌ترین مرحله از زندگی توانسته قوانینی تدوین نماید و به وسیله‌ی آن جامعه‌ی خویش را اداره کند. بومیان آمریکای جنوبی نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند و چنانکه پیش‌تر اشاره شد، مردمانی که وارد این قاره شدند، احتمالاً منشاء آسیایی داشتند و با توجه به فرهنگ و آداب و رسوم که همراه خویش به این سرزمین آورده بودند، هسته‌ی اولیه تمدن

^۱. Bering Strait

^۲. Aleutian

^۳. Chipcha

^۴. Pueblo

بومی آمریکا را پی‌ریزی کرده و به تدریج پلکان ترقی را طی نمودند. به طوری که تمدن برخی از آنان موجب حیرت و شگفتی تازه‌واردان اروپایی گردید.

۵-۱. تمدن مایا^۱

این تمدن در مکزیک جنوبی و آمریکای مرکزی پا به عرصه‌ی وجود نهاد. احتمالاً قوم مایا از حدود هزاره یکم پیش از میلاد در منطقه یوکاتان^۲ زندگی می‌کردند. آنان از کشاورزی پیشرفته و تقویم قمری برخوردار بودند. این قوم در زمینه هنر نیز پیشرفت چشمگیری کرده بودند. و قبل از دوران مسیحیت، نظام و سازمان شهرنشینی را ایجاد نموده بودند. تمدن مایا اولین تمدن در نیم کره غربی جهان به‌شمار می‌رفت. مایاها از ادبیات نیز بهره‌مند بودند اما بر اثر کشورگشایی اسپانیایی‌ها کاملاً از بین رفت. آن‌ها هم‌چنین ظروف سفالین و پارچه‌های ممتازی نیز تولید می‌کردند (لوکاس، ۱۳۶۸: ۴۹).

۵-۲. تمدن اینکا^۳

قوم اینکا در کشورهای اکوادور، پرو و بولیوی امروزی زندگی می‌کردند. این امپراتوری بزرگ از سال ۱۴۰۰م. تا ورود فاتحان اسپانیایی در مرحله اوج خود به‌سر می‌برد. تجارت آن‌ها رو به رشد نهاده بود و شهرهایی را نیز به‌وجود آوردند. اینکاها در صنعتگری مانند قوم مایا مترقی بودند ولی در برخی امور بر آنان برتری داشتند. اینکاها اولین بومیان آمریکایی بودند که از فلزات استفاده کردند. آن‌ها کوزه‌های ممتازی می‌ساختند بدون این‌که از چرخ کوزه‌گری استفاده نمایند. اما از هنر نگارش بی‌بهره بودند. دولت این مردمان از تشکیلات انبوهی برخوردار بود. در رأس دولت، حکمرانی قرار داشت که به آن اینکا می‌گفتند. او به‌عنوان خدا بر همه چیز مسلط بود. روی هم‌رفته، تشکیلات دولت اینکا، دین‌سالار، اشتراکی و به لحاظ نظامی، استبداد پیشه بود (لوکاس، ۱۳۶۸: ۵۱/۲-۵۰).

^۱. Maya

^۲. Yucatan

^۳. Inca

۵-۳. تمدن آزتک^۱

اقوام چی چی مک^۲ در حدود قرن دهم یا یازدهم میلادی، بر قوم تولتک^۳ که در دره مکزیک می‌زیستند، غلبه نمودند و از تمدن آنان بهره‌مند گردیدند. اما احتمال داده می‌شود که در قرن ۱۲ میلادی آزتک‌هایی از سمت شمال حرکت نموده و دره مزبور را تصرف کردند و رفته رفته بر اقوام مکزیک مسلط شدند. در پس این اقدامات، مجمع متمرکز بزرگی که در رأس آن یک امپراتور به اداره‌ی امور می‌پرداخت، تشکیل گردید که باید گفت یکی از آنها، مونتزوما^۴ دوم بود که از سال ۱۵۰۳ م. تا غلبه‌ی اسپانیا بر آن‌ها فرمانروایی می‌کرد. پایتخت این مردمان تنوچیتلان^۵ نام داشت (ویلگوس و دسا، ۱۳۵۲: ۱۱). ناگفته نماند که آزتک‌ها از اتباع خود، انسان را به‌عنوان خراج می‌گرفتند و در راه خدایان قربانی می‌نمودند. رفتار خشونت آمیز و ظالمانه‌ی آنان با زیردستان و تابعان خویش، باعث شد تا یک تنفر عمومی نسبت به این دولت به‌وجود بیاید. همین نارضایتی و اقدامات مستبدانه موجب شد تا امپراتوری آزتک‌ها به‌راحتی به‌دست کشورگشایان اسپانیایی مغلوب گردد (لوکاس، ۱۳۶۸: ۲/۵۲). هم‌چنین، برده‌داری در میان قوم آزتک رواج داشت. شغل‌های آنان کشاورزی و کاویدن معادن بود. در نساجی و ساختن اشیاء از طلا و نقره، مهارت بالایی داشتند. چون از هنر نگارش محروم بودند، افکار خود را به‌صورت نوشته‌های تصویری ضبط و نگهداری می‌کردند. تقویم بسیار دقیقی را نیز به‌وجود آورده بودند. در واقع، تمدن این قوم موجب حیرت و شگفتی فاتحان اسپانیایی شد (ویلگوس و دسا، ۱۳۵۲: ۱۱).

۵-۴. تمدن چیچپا^۶

چیچپاها گروهی از سرخ پوستان هم‌عصر اینکاها بودند که در بلندی‌های معتدل کلمبیای کنونی زندگی می‌کردند. این مردمان به‌هنگام استیلای اسپانیولی‌ها در آمریکا، به تمدنی پیشرفته‌تر از تمدن بومیان مجاور خود دست پیدا کرده بودند. شغل آنان کشاورزی و بهره‌برداری از معادن طلا، زمرد و نمک بود. هم‌چنین به بافت پارچه، ساختن ظروف سفالین و داد و ستد منظم اشتغال داشتند (ویلگوس و دسا، ۱۳۵۲: ۱۳ و ۱۲).

می‌توان گفت، تمدن‌های مزبور، با این که در یکی از دورافتاده‌ترین مناطق جهان شکل گرفتند، اما به‌خوبی توانستند در زمینه‌های گوناگون پیشرفت نمایند که این خود بسی مایه‌ی شگفتی و البته قابل تحسین است. اما متأسفانه فاتحان اسپانیایی در نهایت توحش و بی‌رحمی تمدن‌های آمریکای

^۱. Aztec

^۲. Chichimec

^۳. Toltec

^۴. Montezuma

^۵. Tenochtitlan

^۶. Chipcha

لاتین را نابود کردند و آثار فرهنگی و تاریخی آنان را منهدم نمودند. به طوری که اکنون اطلاعات دقیقی از آداب و رسوم آنان در دست نمانده است.

شاید بتوان گفت که روزی دانشمندان علوم اجتماعی بتوانند به ما بگویند که چه بخشی (در صورت وجود) از تمدن کهن پرو و آمریکای مرکزی در رفتار و سلوک امروزی مردمان آمریکای لاتین، باقی مانده است. باید متذکر شد که امروزه این تمدن‌های کهن عمدتاً به عنوان نمونه مورد توجه هستند. اما در نهایت، اطلاعاتی در مورد آنها ممکن است به ما کمک کند تا نوعی از علم ژنتیک یا تئوری تکامل تمدن را ایجاد نماییم.

اگر چه این فرهنگ‌ها در نوع خودشان، نمونه‌هایی جذاب از تنوع زندگی انسان بر روی این کره‌ی خاکی به‌شمار می‌روند اما در حقیقت، کاملاً در هر صورت و شرایطی دارای هستی، سازمان یافته و از سرزمین‌های بزرگ برخوردار بودند و در انواع هنر و علوم بسیار پیشرفته به‌شمار می‌رفتند. در واقع، این خود شاهد دیگری است که در برابر اندیشه‌های غربی ساده لوحانه‌ی برتری نژادی، قد علم می‌کند و جلوه‌گری می‌نماید (Brinton, B. Christopher & Lee Wolff, 1967: 1/554-555).

۵-۵. سایر اقوام بومی

در میان سایر اقوام بومی سرخ پوست که اسپانیایی‌ها و پرتغالیان با آنان مبارزه کردند، یکی قوم موند بیلدرها^۱ بودند و همچنین سرخ پوستان پوئبلو^۲ در ایالات متحده، کاریب‌ها و آراواک‌ها، هند غربی و شمال آمریکای جنوبی، سرخپوستان تویی-گوارانی^۳ ساکن برزیل و پاراگوئه، سرخپوستان بومی پاتاگونیایی^۴ ساکن آرژانتین و آروکانیاییان^۵ که جنگجو بودند و در شیلی زندگی می‌کردند. این اقوام در مراحل متفاوت توسعه قرار داشتند. عده‌ای از آنان آدمخوار و عده‌ای دیگر که تعداد زیادی به شمار می‌رفتند، جنگجویانی قدرتمند و سرسخت بودند. اما اکثر بومیان به زور اسلحه یا ترس و یا اعتقاد به مسیحیت، از کشورگشایان بیگانه شکست خوردند (ویلگوس و دسا، ۱۳۵۲: ۱۳).

۶. فاتحان اسپانیایی در آمریکا

در حالی که پرتغالیان با عبور از اقیانوس هند به سمت شرق به دنبال دسترسی به تجارت ادویه هند بودند، اسپانیایی‌ها سعی می‌کردند با عبور از اقیانوس اطلس به سمت غرب به همان مقصد برسند. اگر چه اسپانیایی‌ها پس از تلاش‌های اولیه هانری دریانورد به اکتشاف خارج از کشور دست

¹. Mound Builders

². Pueblo

³. Tupi-Guarani

⁴. Patagonian

⁵. Araucanians

یافتند، اما منابع بیشتری که در اختیار داشتند، آن‌ها را قادر نمود تا امپراتوری بسیار بزرگ‌تری را در خارج از کشور ایجاد کنند که کاملاً متفاوت از امپراتوری پرتغالیان بود. ناگفته نماند که شخصیت مهم در تاریخ اکتشافات اسپانیایی که سفرهای اکتشافی او منجر به کشف قاره آمریکا گردید، کریستف کلمب بود. کلمب، توانست ملکه اسپانیا را متقاعد کند که از لحاظ مالی سفر اکتشافی او را حمایت نماید (Spielvogel, 2008: 261). بدین ترتیب، در روز سوم آگوست ۱۴۹۲ م. با سه کشتی به نام‌های سانتا ماریا، پینتا و نینا به راه افتاد (Jacobs, 1902: 103). کلمب چهار سفر دریایی به آمریکا انجام داد. در طی سه سفری که او به انجام آنها مبادرت ورزید، درحقیقت، بیهوده به دنبال یافتن راهی به سرزمین اصلی آسیا بود. در سفر چهارمش، در تمام جزایر اصلی دریای کارائیب و سرزمین اصلی آمریکای مرکزی فرود آمد و هنوز معتقد بود که در آسیا به هند رسیده است (Spielvogel, 2008: 262). پس از کلمب، کاشفان و دریانوردان متعددی موفق شدند با اقدامات خویش تمامی قاره‌ی آمریکا را شناسایی نمایند.

۱۵ سال پس از مرگ کلمب، اسپانیولی‌ها به تسخیر آمریکا مشغول شدند. اما باید گفت که در تاریخ فتح سرزمین‌های آمریکا دو رویداد مشهور می‌باشند. یکی فتح مکزیک به دست هرنان کورتز^۱ و دیگری تسخیر پرو به دست فرانسیسکو پی زارو^۲ (آلبرماله و ایزاک، ۱۳۴۵: ۴۱). کورتز فتوحات اسپانیا در غرب را با مسلط شدن بر امپراتوری آزتک در مکزیک در سال ۱۵۱۹ م. آغاز نمود. چند سال بعد پیزارو یک اسپانیای قدرتمند در پرو ایجاد کرد (Harvey, Breasted and Peters, 1921: 299). می‌توان گفت که اولین و مهم‌ترین امپراتوری اروپایی در نیمکره غربی، بنیان‌گذاری امپراتوری اسپانیا در آمریکا بود (کومین، ۱۳۹۳: ۲۰۸-۲۰۷). تصرف مکزیک ۴ سال به طول انجامید. مون ته زوما^۳ امپراتور مکزیک نتوانست از پیشرفت هرنان کورتز جلوگیری نماید. به همین دلیل از در صلح و دوستی با او درآمد. اما تعداد افراد کورتز، کم و در حدود چند صد نفر بودند. پس چرا با وجود شکوه امپراتوری مکزیک، توانستند بر آنان غلبه کنند؟ باید گفت که در واقع، پیش‌آمدهای خوبی اتفاق افتاد که منجر به پیروزی اسپانیولی‌ها گردید. گفتنی است که آزتک‌ها ساکنان مکزیک را که از نژادهای متفاوت بودند، با شمشیر و پس از جنگ‌های بسیار مطیع خویش کرده بودند؛ بنابراین، نبود اتحاد و یکپارچگی در کشوری بدین پهناوری، از ضعف‌های دولت به‌شمار می‌رفت. یکی دیگر از علت‌های این پیروزی، پیش‌گویی‌هایی بود که از قبل گفته شده بود؛ مثلاً از سمت شرق، منجی ظهور خواهد کرد و او فرستاده خداوندان هست. مکزیکی‌ها اسب ندیده بودند و وقتی کورتز را با اسب، توپ و تفنگ آمده بود؛ فرستاده‌ی آسمانی می‌انگاشتند که رعد مطیع او است.

گفته شده که کورتز هنگام ورود، ملت مغلوب را آماده شورش و آزتک‌ها را وحشت زده و نگران یافت. پیشرفت اسپانیولی‌ها بیشتر به این دلیل بود که مردم سرکش و نافرمان مکزیک به آن‌ها

¹. Hernan Cortes

². Francisco Pizarro

³. Montezuma

کمک می‌رساندند و تا پایان جنگ نیز در تهیه ملزومات جنگی و آماده نمودن هزاران یاری‌رسان کوتاهی نکردند (آلبرماله و ایزاک، ۱۳۴۵: ۴۴).

حدود ده سال پس از فتح مکزیک، دو فرد ماجراجوی دیگر، یکی به نام پیزارو و دیگری آلماگرو^۱ که در واقع، سردسته راهزنان و دزدان به شمار می‌رفتند، به تسخیر پرو مبادرت ورزیدند (آلبرماله و ایزاک، ۱۳۴۵: ۴۵-۴۲). در طول فقط چند ماه، نیروهای نظامی نه‌چندان زیاد، به رهبری کورتز و پیزارو که هر دو از اراذل و اوباش بودند، این امپراتوری‌های شکوهمند را نابود گردانیدند و به تصرف خود درآوردند (هارمن، ۱۳۶۸: ۲۰۷-۲۰۶). هر کدام از این دو نفر، تقریباً ۱۵۰ جنگجو و حدوداً صد اسب را همراه خود آورده بودند.

ذکر این نکته لازم است که در حقیقت، نرمخویی ساکنان پرو و درگیری میان دو شاهزاده از خاندان امپراتوری، کار فتح را آسان گردانید (آلبرماله و ایزاک، ۱۳۴۵: ۴۵-۴۲). به دلیل جنگ‌های داخلی، امپراتوری اینکا رو به سستی گراییده بود. دو برادر که مدعی سلطنت این سرزمین بودند، با یکدیگر می‌جنگیدند و زمانی که پیزارو با نیروهای اندک خود فرمان محاصره اینکا را داد، امپراتوری به دو بخش تقسیم شده بود. پیاده نظام اینکا که به نیزه، تیر و کمان و چماق جنگی مجهز بودند، در برابر توپ‌های اسپانیولی‌ها و شمشیر پولادین آنها تاب مقاومت نیاوردند و محکوم به شکست گردیدند (فون لاو و دیگران، ۱۳۷۷: ۴۹۲). در پایان، پیزارو به همراه جنگاوران خود، در سال ۱۵۳۳م. وارد شهر کوزکو^۲ پایتخت اینکا شدند و در آن منطقه به ایجاد مرکزی برای غلبه بر سرزمین‌های بیشتر در آمریکای جنوبی اقدام کردند (کومین، ۱۳۹۳: ۲۰۹). فاتح پرو، در آنجا پایتختی جدید به نام لیما بنا نهاد (آلبرماله و ایزاک، ۱۳۴۵: ۴۵-۴۲). پس از سقوط امپراتوری اینکا، لشکرکشی به شیلی آغاز گردید. در ۱۵۴۱م. سنگ‌بنای اولیه شهر سانتیاگو در شیلی گذاشته شد (لوکاس، ۱۳۶۸: ۵۵).

شاید این پرسش به‌وجود بیاید که چرا اسپانیایی‌ها امپراتوری گسترده خود را در آمریکای شمالی نیز برپا نکردند؟ چرا اقدامات آنان بیشتر در آمریکای جنوبی بود؟ باید گفت، کاوشگران اسپانیولی دو هدف را دنبال می‌نمودند. یکی پیدا کردن طلا و دیگری مکان اتصال دو اقیانوس که اولی را برای خود گردآوری کرده و دومی را قبل از دیگران تصرف نمایند. وقتی به این نتیجه رسیدند که ذخایر طلای آمریکای جنوبی از آمریکای شمالی بیشتر است، از پیشروی در آمریکای شمالی منصرف شدند (اولسن، بی تا: ۲۸۷). بدین ترتیب اسپانیایی‌ها در این منطقه از نیم کره غربی مستقر شدند و سلطه استعماری خود را در این سرزمین آغاز نمودند و با توسل به زور و اسلحه به بهره‌کشی از بومیان این ناحیه پرداختند. اسپانیا از تأثیرگذارترین دول اروپایی در عصر اکتشافات به‌شمار می‌رود. زیرا توانست امپراتوری سترگ و قدرتمندی را در آمریکای جنوبی تأسیس نماید.

^۱. Almagro

^۲. Cuzco

بسیاری از اسپانیایی‌ها در عصر جهانی شدن پیشگام بودند و جهان‌هایی را که از یکدیگر دور مانده بودند را به هم متصل می‌کردند، سفرهای آنها در میان قاره‌ها و اقیانوس‌ها نبود، بلکه به سمت فرورفتگی‌های درونی روح در جستجوی معنایی عمیق‌تر برای زندگی‌شان و درک بهتر ماهیت پیچیده‌ی انسان بود، نه سفری آسان به هر وسیله‌ای قابل تصور (Martinez Montes, 2016: 213).

۷. نظام مستعمراتی و امپراتوری اسپانیا در آمریکای جنوبی

فاتحان اسپانیایی افراد سرسختی بودند که انگیزه آنان ترکیبی از شکوه، طمع و غیرت مذهبی در قرن ۱۶ میلادی به‌شمار می‌رفت. اگرچه آنان از جانب دولت سلطنتی کاستیلیا مجوز داشتند، اما این گروه‌ها به‌صورت خصوصی و نه توسط دولت تأمین مالی و تجهیز می‌شدند. اسلحه‌های برتر آنان، مهارت‌های سازمان‌یافته و عزم و اراده برای فاتحان، موفقیتی باور نکردنی به همراه آورد. آنان همچنین از رقابت‌های میان بومیان سود بردند. البته باید گفت که ساکنان بومی توسط بیماری‌هایی که اروپاییان به همراه خود آوردند، نابود گردیدند (Spielvogel, 2008: 262).

سیاست اسپانیا در قبال مردم بومی دنیای جدید، ترکیبی از سردرگمی، پدرسالاری نادرست و استثمار بی‌رحمانه بود. در حالی که فاتحان بر اساس مصلحت و منافع خود تصمیم می‌گرفتند، ملکه ایزابلا بومیان را تابع قصر اعلام کرد و اسپانیایی‌ها را به تأسیس نظام انکومیندا^۱ برانگیخت. این سیستم به اسپانیایی‌های فاتح اجازه می‌داد از بومیان خراج جمع‌آوری کنند و از آنها به‌عنوان کارگر استفاده کنند. در عوض دارندگان یک انکومیندا قرار بود از سرخ‌پوستان محافظت کنند؛ به آنها دستمزد بپردازند و بر نیازهای معنوی آنان نظارت داشته باشند. در عمل این بدان معنا بود که مهاجران آزاد بودند تا نظام پدران حکومت را به دلخواه خود اجرا کنند (Spielvogel, 2008: 265).

متأسفانه باید گفت که هیچ دولت استعمارگری، در هیچ کشور تحت نفوذ و استیلای خویش، از سر درستکاری و راستی هیچ اقدامی در راستای رفاه مردم و یا حکومت آن کشور انجام نداده‌اند مگر در آغاز منافع خود را در نظر گرفته باشند (رضوی پیرانشاهی، ۱۳۹۵: ۴۵). سه هزار مایل مسافت و فاصله از اسپانیا موجب شد مهاجران اسپانیایی تا حد زیادی حکومت خود را نادیده بگیرند و وحشیانه از بومیان برای پی‌گیری منافع اقتصادی خود استفاده نمایند (Spielvogel, 2008: 265).

در اینجا یادآوری این نکته لازم می‌نماید که در واقع، کریستوف کلمب نخستین حکومت مستعمراتی را در هند غربی پایه‌گذاری نمود. او به‌عنوان حاکم، به تعیین و انتصاب مأموران و تقسیم زمین‌ها و بومیان بین هم‌وطنان خود اقدام نمود (ویلگوس و دسا، ۱۳۵۲: ۶۱-۵۷). پس از کلمب،

^۱. Encomienda

حکمرانان اسپانیایی به تقلید از روش‌های حکومتی پادشاهی اسپانیا برای اداره امپراتوری پهناوری که در آمریکا به وجود آورده بودند، پایه‌های یک حکومت استعماری را بنیان‌گذاری نمودند.

دو نیابت سلطنت در مستعمرات اسپانیا وجود داشت. یکی در مکزیک و دیگری در پرو و دو فرمانده نظامی یکی در شیلی و دیگری در گواتمالا مستقر شدند. آنان مأمور انجام وظایفی بودند که بر عهده‌شان نهاده شده بود. در واقع، آن‌ها وظایف نایب السلطنه‌ها را تکمیل می‌نمودند. گروهی به نام اودینسیا^۱ که وظایف مربوط به رایزنی، داوری و اداری را انجام می‌دادند، به مقامات دولتی یاری می‌رسانند. شهرهای اسپانیایی در جهان جدید حائز اهمیت بودند. در سال ۱۵۶۰ م. در حدود ۲۰۰ شهر ساخته شد. اداره این شهرها بر عهده شورایی به نام رگیدورس^۲ و به شیوه مردم سالاری بود. شهرها به مراکز تشکیلات حکومتی، اسقف نشینی، تجاری و به نهادهایی تبدیل گشت که زندگی، زبان، ادبیات و سبک اقتصادی اسپانیایی از آنها توسعه پیدا کرد (لوکاس، ۱۳۶۸: ۵۵-۵۶). میادین وسیع، باغ‌های زیبا، خیابان‌های پهن، کلیساهای با عظمت به سبک باروک اسپانیایی بنا نهاده شد و با نقاشی‌های باروک مزین گردید. کلیساهای جامع بزرگ، صومعه‌ها و مدارس مسیحی و فرانسیسی بنیاد نهاده شد. بدین ترتیب پیشروان اسپانیولی، تمدن و فرهنگ اسپانیا را به آمریکا وارد نمودند و آن را در سرزمین‌های جدید اکتشافی تثبیت کردند (لوکاس، ۱۳۶۸: ۵۵-۵۶).

فتح مکزیک توسط اسپانیا در قرن ۱۶ م. مسئول انتشار فرهنگی در قلمرو زبان‌شناسی بود. تماس فاتحان شبه جزیره ایبری با مردم بومی مکزیک کنونی شرایطی را برای تبادل آداب و سنن ایجاد کرد. در واقع یکی از حوزه‌های فرهنگی که به شکل‌گیری تماس فرهنگی کمک کرد، حوزه زبان بود (Del Castillo & NY, 2012: 9). این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که در سال‌های آغازین دوره استعمار، زنان اسپانیایی تمایل نداشتند به آمریکا مهاجرت کنند. بنابراین اسپانیایی‌ها با زنان بومی و سیاهپوست ازدواج می‌کردند. در نتیجه‌ی این وصلت‌ها، تعداد زیادی مستیزو^۳ (فرزندان حاصل از ازدواج سرخ پوست و سفید پوست) و مولاتو^۴ (فرزندان حاصل از ازدواج آفریقایی و سفیدپوست) در بسیاری از مستعمرات رو به افزایش نهاد (آدلر، ۱۳۸۷: ۳۸۸).

بنابراین باید گفت که اسپانیولی‌ها نه تنها به لحاظ سیاسی و اقتصادی به قدرتی بلامنازع در آمریکای جنوبی مبدل شدند؛ بلکه توانستند نژاد، زبان و فرهنگ خویش را بر تمامی مناطق مزبور و بومیان آن تحمیل کنند. بنا به گفته برخی محققان، در حال حاضر، اکثر سرزمین‌های آمریکای جنوبی به جز برزیل، به زبان اسپانیایی سخن می‌گویند که این خود نشان‌دهنده‌ی سلطه‌ی فرهنگ و زبان اسپانیا بر ساکنان این ناحیه از نیم‌کره‌ی غربی می‌باشد.

^۱. Audiencia

^۲. Regidors

^۳. Mestizo

^۴. Mulatto

اما متأسفانه اسپانیولی‌ها که تازه وارد بودند، مرتکب اعمال پستی شدند که در شأن سفید پوستان متمدن نبود. غارت اموال مردم و کشتار آنان و از بین بردن معابد از کارهای ناپسند آنان بود (اولسن، بی‌تا: ۲۷۲). اگر این مسئله را بپذیریم که هدف اصلی و عمده‌ی استعمار برخورداری و بهره‌مندی از منابع طبیعی و اقتصادی کشور مستعمره می‌باشد، پیامدهای بد و منفور آن را راحت‌تر می‌توانیم بشناسیم (رضوی پیرانشاهی، ۱۳۹۵: ۴۴).

سلطه‌گران اسپانیایی، تمدن باستانی بومیان آمریکا را وحشیانه ویران نمودند. اسپانیولی‌ها در مناطق متصرفی خود زمین‌ها را از چنگ سرخپوستان بومی در می‌آوردند و آنها را تصاحب می‌کردند و بین خود تقسیم می‌نمودند و بومیان را نیز به بردگی و بیگاری مجبور می‌کردند. کشیشان و راهبان مسیحی، سرخپوستان را مجبور می‌کردند که آیین مسیح را بپذیرند. کارهای طاقت فرسا، گرسنگی و بیماری، سرخ پوستان را با سرعت فزاینده‌ای به کام مرگ می‌کشاند. اسپانیایی‌ها بیرحمانه تا اواسط قرن ۱۶ م. تمامی بومیان کوبا و برخی از جزایر دیگر دریای کارائیب را از بین برده و نابود کردند (دنسکوی و آگیبالووا، ۱۳۳۷: ۲۵۸-۲۵۶).

می‌توان گفت که در مدت ۲۰۰ سال نخست حکومت استعماری، اسپانیایی‌ها بخش معدنی مستعمرات را گسترش دادند تا اقتصاد و جایگاه جهانی اسپانیا را در اروپای غربی محفوظ نگاه دارند (اشتین، ۱۳۶۶: ۴۱). در پایان قرن ۱۵ م. و آغاز قرن ۱۶ م.، فاتحان اروپایی، مخصوصاً اسپانیایی‌ها با توسل به زور اسلحه و قدرت، مردمان آمریکا را از ترقی در مسیر رشد طبیعی باز داشتند (اسکازکین و دیگران، ۱۳۳۶: ۲۷۶-۲۷۴). بسیاری از بومیان در شرایط دشوار و طاقت فرسای در معادن طلا و نقره به کار واداشته می‌شدند. سرخ پوستان مغرور و آزادی دوست، تمایل نداشتند به این تازه‌واردان بیگانه بیگاری بدهند. و پس از کشته شدن افراد خانواده‌شان خودکشی می‌کردند و برخی دیگر به کوه و جنگل متواری می‌شدند. اسپانیایی‌ها فراریان را مانند چهارپایان وحشی به چنگ می‌آوردند و سگ‌ها را به‌سمت آنها می‌فرستادند و بدن‌هایشان را لگدمال اسب‌های خود می‌کردند (دنسکوی و آگیبالووا، ۱۳۳۷: ۲۵۸-۲۵۶).

سرزمینی که در بدو ورود اسپانیایی‌ها چهارصد هزار نفر سکنه داشت در ظرف مدت ده یا پانزده سال استیلای اسپانیایی‌ها تعداد این ساکنان به شصت هزار نفر و کمی بعد از آن به چهار هزار نفر رسید و چون رفته رفته از تعداد بومیان کاسته شد، اسپانیایی‌ها در صدد برآمدن تا مانند پرتغالی‌ها از سواحل غربی آفریقا، بومیان سیاه پوست را به‌عنوان برده به آمریکا وارد نمایند و به‌جای بومیان آمریکایی آنها را به کار وادار کنند. در واقع، از این تاریخ تجارت برده رواج بیشتری یافت (اقبال، ۱۳۱۲: ۸۳-۸۲). ناگفته نماند که تجارت برده، اولین بار توسط کریستف کلمب بیان گردیده است، در یکی از این سفرهای اکتشافی، برای اینکه هزینه اعزام گروه‌ها کم گردد، به دربار اسپانیا پیشنهاد نمود که تجارت برده را آزاد نماید. این‌گونه بود که فکر تجارت برده از جانب

آمریکاییان از ذهن نخستین سفیدپوستی که به این قاره قدم نهاد، به سایر اذهان خطور نمود(اولسن، بی تا: ۲۲۰).

گفتنی است که بر اثر کشف مناطق جدید، ثروت فراوانی نصیب اسپانیا گردیده بود که البته این ثروت انبوه در نتیجه‌ی اشک و خون و زحمتهای و رنج‌های عده زیادی از بومیان گردآوری شده بود. اگر چه اقدامات و کارهای اسپانیایی‌ها در آمریکا از بزرگ‌ترین اکتشافات جغرافیایی محسوب می‌گردد، اما متأسفانه از وحشتناک‌ترین خونریزی‌هایی می‌باشد که در طول تاریخ صورت گرفته است (اولسن، بی تا: ۲۷۸).

اسپانیایی‌ها برای به‌دست آوردن ذخایر طلا، برخی از سرخ پوستان را آنقدر شکنجه کردند که یا مردند و یا دیوانه شدند. خانه‌های آنان را سوزاندند و نجای اینکا را کشتند و زنان‌شان را نیز دزدیدند. حتی به حیوانات نیز رحم نکردند. گفتنی است که امروزه هم بسیاری از سرخ پوستان که به دلیل شرایط بد اقتصادی زمین‌های خویش را ترک می‌کنند، هنوز به آیین اینکا معتقد هستند و به زبان کچوا^۱ سخن می‌گویند. هنوز سرخ پوستان گنجینه‌های طلا را مخفی می‌نمایند و امیدوارند که روزی آنها را در جای مناسب خود، یعنی در قصر امپراتور و معبد خورشید، قرار دهند (کندری، ۱۳۷۱: ۲۵۶ و ۲۵۷).

شاید ذکر این نکته خالی از لطف نباشد که وضعیت امپراتوری استعماری پرتغال و اسپانیا با یکدیگر متفاوت بود. پرتغالیان بازرگان بودند و اسپانیایی‌ها مملکت گیر. بنابراین اسپانیایی‌ها به تصرف سرزمین‌ها و مناطق مهم ساحلی اکتفا نکردند بلکه سرزمین‌های دورتر را نیز تسخیر می‌کردند. مهاجران اسپانیایی به مناطق تسخیر شده می‌رفتند و در آن‌جا شهرهایی ایجاد می‌کردند و ملتی جدید را تشکیل می‌دادند. اسپانیایی‌ها اگر چه خطاهای فراوانی مرتکب شدند اما بر خلاف پرتغالیان کارهایی ماندنی انجام دادند. در حال حاضر امپراتوری اسپانیا از بین رفته اما در آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی نژاد، زبان و تمدن اسپانیایی به یادگار باقی مانده است (آلبرماله، ۱۳۸۸: ۲۶).

۸. نتیجه‌گیری

با آغاز عصر اکتشافات پرتغال به‌عنوان پیشگام در این عرصه از یک سو و اسپانیا از سوی دیگر به سفرهای اکتشافی مبادرت ورزیدند و در سرزمین‌های تازه کشف شده شروع به سلطه‌جویی و بهره‌کشی از بومیان آن مناطق نمودند. حضور پرتغالیان در خلیج فارس باعث از رونق افتادن اقتصاد ایران شد و هم‌چنین فجایع ناگوار بسیاری از جانب بیگانگان پرتغالی برای ساکنان محلی و بومی به وجود آمد که آثار و نتایج آن تا مدت‌های مدیدی برجا مانده بود. این سلطه‌گری همراه با اقداماتی

^۱. Quechua

متهوران و ددمشانه و با رفتارهای غیر انسانی و نفرت‌انگیز همراه بود. پرتغالیان از موقعیت درخشان و سودآور خلیج فارس در جهت مقاصد اقتصادی خویش بهره‌های فراوان بردند. در آمریکای جنوبی نیز فاتحان اسپانیایی برای قلع و قمع کردن بومیان از شیوه‌های بی‌رحمانه‌ای استفاده نمودند و برای استیلا بر این ناحیه از هیچ کوششی دریغ نورزیدند.

کشورگشایان اسپانیولی به دلیل تفوق نظامی و همچنین با استفاده از اختلافات و دودستگی‌های بین اقوام متعدد بومی، توانستند به راحتی بر آنان غلبه نمایند و امپراتوری قدرتمندی را تشکیل بدهند. ممالک نیم کره‌ی شرقی از جمله ایران و خلیج فارس نیز از گزند توسعه‌طلبی و بهره‌کشی اسپانیایی‌ها و گماشتگان پرتغالی‌شان در امان نماندند. اما پس از مدتی اقتدار آنها در این منطقه رو به ضعف نهاد و خلیج فارس برای همیشه از لوث وجود آنان پاک گردید.

بدین ترتیب ریشه‌های استعمار در سرزمین‌های مزبور ریشه دوانید و تا به امروز نیز با شیوه‌های گوناگون به‌طور آشکار و پنهان همچنان ادامه دارد. اما آیا سپیده‌دم رهایی از استعمار و سلطه استعمارگران و تلخ کامی‌های ناشی از آن فراخواهد رسید؟ آیا برای دردها و رنج‌های ملل محروم پایانی را می‌توان تصور نمود؟



منابع

- آدلر، فیلیپ جی. (۱۳۸۷). عالم. ج ۱، چاپ دوم، ترجمه محمد حسین آریا، تهران: امیرکبیر.
- امامی خوبی، محمدتقی (۱۳۹۶). تاریخ امپراتوری عثمانی، چاپ سوم، تهران: سمت.
- ایزاک، ژول و آلبرماله (بی تا). تاریخ قرون جدید. چاپ چهارم، ترجمه سید فخرالدین شادمان، تهران: ابن سینا.
- اولسن، اوریان (بی تا). تاریخ اکتشافات جغرافیایی از آغاز تاریخ تا دوره معاصر. ترجمه رضا مشایخی، تهران: بی نا.
- اقبال، عباس (۱۳۱۲). تاریخ اکتشافات جغرافیایی و تاریخ علم جغرافیا. تهران: بی نا.
- اسکازکین، س. د. (۱۳۳۶). تاریخ مختصر جهان. ج ۱، ترجمه محمد تقی فرامرزی، تهران: دنیا.
- اشتین، باربارا اچ. و استانیلی ژ. (۱۳۶۶). میراث استعماری آمریکای لاتین. ترجمه نظام الدین قهاری، تهران: چاپخش.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۴). خارجیان در خلیج فارس. تهران: باز.
- اقداری، احمد (۱۳۴۵). خلیج فارس. تهران: فرانکلین و کتابخانه ابن سینا.
- بیلز، ک. (۱۳۵۷). آمریکای لاتین دنیای انقلاب. چاپ چهارم، ترجمه وح. تبریزی، تهران: خوارزمی.
- بصیرت منش، حمید؛ بیگی زاده، مرضیه (۱۳۹۵). «چگونگی ظهور و سقوط کشورهای پرتغال، هلند، انگلیس و فرانسه در خلیج فارس»، مجموعه مقالات یازدهمین همایش ملی علمی و فرهنگی و نخستین همایش بین المللی خلیج فارس، صص ۷۹-۶۱.
- برینتون، کرین؛ کریستوفر، جان؛ لی وولف، ربرت (۱۳۳۸). تاریخ تمدن غرب و مبانی آن در شرق. ترجمه پرویز داریوش، تهران - نیویورک: فرانکلین و کتابخانه ابن سینا.
- تاج بخش، احمد (۱۳۴۰). ایران در زمان صفویه. تبریز: کتابفروشی چهر.
- خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۸۱). «پرتغالی ها و اقتصاد دریایی ایران»، پژوهشنامه علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۴، صص ۹۴-۸۵.
- دنسکوی، گ. م. و او. آگیبالوا (۱۳۳۷). تاریخ سده های میانه، ترجمه رحیم رئیس نیا، تهران: پیام.
- دورانت، ویل (۱۳۴۸). تاریخ تمدن. ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی.
- دلد، اسکندر (۱۳۶۳). سلطه جویان و استعمارگران در خلیج فارس. تهران: نوین.
- روسو، پی یر (۱۳۴۹). تاریخ علوم. چاپ پنجم، ترجمه حسن صفاری، تهران: امیرکبیر.
- رضوی پیرانشاهی، سید عباس (۱۳۹۵). «پیامدهای استعماری اروپاییان در مشرق زمین و ایران»، دو فصلنامه تخصصی تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال چهارم، شماره دوم، صص ۴۸-۲۷.
- طرفداری، علی محمد؛ عمویی، صدرا (۱۳۹۱). «تأملی بر علل و انگیزه های هجوم استعمارگران پرتغالی به خلیج فارس و تبعات اقتصادی آن»، مجموعه مقالات هشتمین همایش ملی خلیج فارس، صص ۳۶۷-۳۵۱.
- فون لاو، تئودور اچ. و دیگران (۱۳۳۷). تاریخ جهان. ترجمه عبدالرحمن صدریه، تهران: فردوس.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۶۴). زندگانی شاه عباس اول. ج ۴ و ۵، چاپ دوم، تهران: علمی.

کومین، بیت (۱۳۹۳). جهان اروپایی ۱۵۰۰-۱۸۰۰ م. ترجمه احمد فضلی نژاد و جلال رحیمیان، شیراز: دانشگاه شیراز.

کندری، مهران (۱۳۷۱). فرهنگ و تمدن آمریکای جنوبی: پیش از کلمب. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

گالتانو، ادواردو (۱۳۷۱). شریان‌های باز آمریکای لاتین. ترجمه محمد تمیمی عرب، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

لوکاس، هنری (۱۳۶۸). تاریخ تمدن از نوزایی تا سده‌ی ما. ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: کیهان. ماله، آلبر (۱۳۸۹). تاریخ آلبرماله-تاریخ قرون وسطی، ج ۳، چاپ سوم، ترجمه سید فخرالدین شادمان، تهران: نشر سمیر.

نشأت، صادق (۱۳۴۴). تاریخ سیاسی خلیج فارس. تهران: کانون کتاب. ویلگوس، ا. کرتیس و راثول دسا (۱۳۵۲). تاریخ آمریکای لاتین. ترجمه جلال رضایی راد، تهران: امیرکبیر. ویلسون، آرنولد (۱۳۱۰). خلیج فارس. ترجمه محمد سعیدی، تهران: بی‌نا. هارمن، کریس (۱۳۸۶). تاریخ مردمی جهان. ترجمه پرویز بابایی و جمشید نوایی، تهران: نگاه.

Brinton, Crane, John B. Christopher & Robert Lee Wolff (1967), A History of Civilization, Englewood Cliffs, New Jersey, Prentice-Hall, Inc.

Del Castillo, Nicolás, Great Neck, NY, (2012), "Nahuatl: The Influence of Spanish on The Language of The Aztecs", Journal of the American Society of Geolinguistics, Vol. 38

Harvey Robinson, James, Emma Peters Smith & James Henry Breasted (1921), A general history of Europe, Boston. U.S.A., Athenaeum Press

Jacobs, Joseph (1902), The story of geographical discovery, New York, D. Appleton and company

Martinez Montes, Luis Francisco (2016), Spain, A Global History, New York, Area de Documentation y Publication

Spielvogel, Jackson J. (2008), Western civilization a brief history, U.S.A, Clark Baxter

Research Article

Comparing Portuguese colonization in the Persian Gulf with Spanish colonization in South America

Fatema Arouji¹ and Elizabeth Tarbon²

Date of received: 2024/04/08

Date of Accept: 2024/05/09

Abstract

With the fall of Constantinople in 1453 AD and the beginning of the Age of Discovery, the Portuguese were the first Europeans to embark on the path of geographical exploration and were able to reach Asian countries. They were able to access India and the Persian Gulf by taking advantage of the efforts of Henry the Navigator, the Portuguese prince who initiated this path and by discovering a new route that passed through the Cape of Good Hope in the southernmost part of South Africa. The presence of the Portuguese in the aforementioned areas brought consequences such as colonization and exploitation. After the Portuguese, the Spanish reached the East and the Western Hemisphere. They succeeded in discovering the American continent through Christopher Columbus. It must be said that the Spanish played a significant role in colonizing South America. The aim of this research is to understand how colonialism took root in the eastern lands, including the Persian Gulf and South America, because colonialism can still be seen in various ways in these regions, both overt and covert. The present article intends to compare Portuguese colonialism in the Persian Gulf and Spanish colonialism in South America, considering the nature of the subject, in a descriptive-analytical manner and with optimal use of primary sources and research, which are mainly library and documentary, and to examine and study it.

Keywords: Portugal, Persian Gulf, Spain, South America, colonialism.

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Arouji, Fatema; Tarbon, Elizabeth (Spring 2025). "Comparing Portuguese colonization in the Persian Gulf with Spanish colonization in South America". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 8, Num. 1, S.No. 29, pp. 93-116.

¹. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Humanities, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: forouji@tabrizu.ac.ir

². Master's Degree in General World History, Faculty of Theology, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: elizabethtarbon@yahoo.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

References

- Adler, Philip J. (1387). *World*. Vol. 1, 2nd edition, translated by Mohammad Hossein Aria, Tehran: Amir Kabir.
- Asadi, Bijan (2005). *Foreigners in the Persian Gulf*. Tehran: Baz. (in Persian)
- Ashtin, Barbara H. and Stanley J. (1366). *The Colonial Legacy of Latin America*. Translated by Nizam al-Din Ghahari, Tehran: Chapakhsh.
- Basir Manesh, Hamid; Beigizadeh, Marzieh (2016). "How the Rise and Fall of Portugal, the Netherlands, England and France in the Persian Gulf", collection of articles of the Eleventh National Scientific and Cultural Conference and the First International Conference on the Persian Gulf, pp. 61-79. (in Persian)
- Biles, K. (1978). *Latin America in the World of the Revolution*. Fourth edition, translated by V.H. Tabrizi, Tehran: Kharazmi.
- Brinton, Crane; Christopher, John; Lee Wolfe, Robert (1959). *History of Western Civilization and Its Foundations in the East*. Translated by Parviz Dariush, Tehran-New York: Franklin and Ibn Sina Library.
- Brinton, Crane, John B. Christopher & Robert Lee Wolff (1967), *A History of Civilization*, Englewood Cliffs, New Jersey, Prentice-Hall, Inc.
- Danskoy, G.M. and A.V. Agibalova (1958). *History of the Middle Ages*, translated by Rahim Raisnia, Tehran: Payam.
- Del Castillo, Nicolás, Great Neck, NY, (2012), "Nahuatl: The Influence of Spanish on The Language of The Aztecs", *Journal of the American Society of Geolinguistics*, Vol. 38
- Doldam, Eskandar (1984). *Dominants and Colonialists in the Persian Gulf*. Tehran: Novin. (in Persian)
- Durant, Will (1969). *History of Civilization*. Translated by Esmail Dolatshahi, Tehran: Pocket Books Joint Stock Company.
- Eghtedari, Ahmad (1966). *Persian Gulf*. Tehran: Franklin and Ibn Sina Library. (in Persian)
- Emami Khoei, Mohammad Taqi (1396). *History of the Ottoman Empire*, 3rd edition, Tehran: Samt. (in Persian)
- Falsafi, Nasrallah (1985). *Life of Shah Abbas I*. Vol. 4 and 5, Second Edition, Tehran: Elmi. (in Persian)
- Galeano, Eduardo (1992). *The Open Arteries of Latin America*. Translated by Mohammad Tamimi Arab, Tehran: University Press.
- Harman, Chris (1386). *People's History of the World*. Translated by Parviz Babaei and Jamshid Navaei, Tehran: Negah.
- Harvey Robinson, James, Emma Peters Smith & James Henry Breasted (1921), *A general history of Europe*, Boston. U.S.A., Athenaeum Press
- Iqbal, Abbas (1312). *History of Geographical Explorations and History of Geography*. Tehran: Bina. (in Persian)
- Isaac, Jules and Albermalle (Bita). *History of the Modern Ages*. 4th edition, translated by Seyyed Fakhreddin Shadman, Tehran: Ibn Sina.
- Jacobs, Joseph (1902), *The story of geographical discovery*, New York, D. Appleton and company

- Kanderi, Mehran (1992). *South American Culture and Civilization: Before Columbus*. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. (in Persian)
- Khairandish, Abdolrasoul (2002). "The Portuguese and the Maritime Economy of Iran", *Humanities Research Journal*, Shahid Beheshti University, No. 34, pp. 94-85. (in Persian)
- Komen, Beit (2014). *The European World 1500-1800 AD*. Translated by Ahmad Fazlinejad and Jalal Rahimian, Shiraz: Shiraz University.
- Lucas, Henry (1989). *History of Civilization from the Renaissance to Our Century*. Translated by Abdolhossein Azarang, Tehran: Kayhan.
- Malle, Albert (13889). *History of the Albermal-History of the Middle Ages*, Vol. 3, Third Edition, Translated by Seyyed Fakhreddin Shadman, Tehran: Samir Publishing House.
- Martinez Montes, Luis Francisco (2016), *Spain, A Global History*, New York, Area de Documentation y Publication
- Neshat, Sadegh (1344). *Political History of the Persian Gulf*. Tehran: Kanun Book. (in Persian)
- Olsen, Orian (Bita). *History of Geographical Explorations from the Beginning of History to the Contemporary Period*. Translated by Reza Mashayekhi, Tehran: Bina.
- Razavi Piranshahi, Seyyed Abbas (2016). "European Colonial Consequences in the East and Iran", two specialized quarterly journals on the history of Islamic Iran, Islamic Azad University, Shushtar Branch, year 4, issue 2, pp. 27-48. (in Persian)
- Rousseau, Pierre (1969). *History of Sciences*. Fifth edition, translated by Hassan Safari, Tehran: Amir Kabir.
- Skazkin, S.D. (1336). *A Brief History of the World*. Vol. 1, translated by Mohammad Taqi Faramarzi, Tehran: Donya.
- Spielvogel, Jackson J. (2008), *Western civilization a brief history*, U.S.A, Clark Baxter
- Taj Bakhsh, Ahmad (1961). *Iran in the Safavid Era*. Tabriz: Chehr Bookstore. (in Persian)
- Tarfardari, Ali Mohammad; Amouei, Sadra (2012). "A Reflection on the Causes and Motives of the Portuguese Colonialists' Invasion of the Persian Gulf and Its Economic Consequences", *Proceedings of the Eighth National Conference on the Persian Gulf*, pp. 367-351. (in Persian)
- Von Laue, Theodore H. et al. (1958). *History of the World*. Translated by Abdolrahman Sadrieh, Tehran: Ferdows.
- Wilgos, A. Curtis and Raoul Desa (1352). *History of Latin America*. Translated by Jalal Rezaei Rad, Tehran: Amir Kabir.
- Wilson, Arnold (1310). *The Persian Gulf*. Translated by Mohammad Saeedi, Tehran: Bina.

